

خلاءهای قانونی مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات آبی

امیر مرادی نژاد

استادیار بخش آبخیزداری مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی Amir_24619@yahoo.com

چکیده

اگر در گذشته مشکلات و مسائل مدیریت آب در مقیاس محلی مطرح بود، اکنون و در آینده این مشکلات در مقیاس ملی و منطقه‌ای و حتی جهانی بروز خواهد کرد. در کشور ما نیز حفاظت از منابع آب و خاک و مدیریت مشارکتی بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات آبی موضوع قابل توجه و مهمی است که بایستی جدی تلقی شود. عدم توجه به این امر خسارت فراوانی خواهد داشت که جبران آن بسیار دشوار است. از طرفی به علت ساختار دولتی مطالعه، اجراء و بهره‌برداری و نگهداری پروژه‌های تأمین، انتقال و توزیع آب بدون مشارکت بهره‌برداران در امور فوق باوجود سیاست‌های کلان دولت در برنامه‌های ۲، ۳ و ۴ در تصویب مفاد قانونی در زمینه اعمال مدیریت بهره‌برداری و نگهداری تأسیسات آبی به‌وسیله تشکل‌های مناسب بهره‌برداران، این امر مسکوت مانده است. عدم رعایت موارد ذکر شده باعث فرسوده شدن زود هنگام تأسیسات آبی، کاهش عمر مفید تأسیسات و ابنیه‌ها، کاهش راندمان آبیاری و تولید و سردرگمی بهره‌برداران و در نتیجه تلفات بسیار زیاد آب در این بخش شده است. در این تحقیق بطور مشروح به مشکلات موجود، ضرورت‌ها و خلاءهای قانونی و همچنین مواد قانونی اجراء نشده در این زمینه پرداخته شده است. متعاقب آن با توجه به تجربیات نگارندگان این مقاله پیشنهاداتی جهت ساماندهی نظام بهره‌برداری و چگونگی روند ایجاد تشکل‌های آبران در راستای رویکرد جهانی و سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی به منظور ارتقاء فرهنگ مشارکت بهره‌برداران در امور مربوط به مدیریت تأمین، انتقال و توزیع آب و نگهداری تأسیسات آبی ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خلاءهای قانونی، مدیریت مشارکتی آبیاری، تشکل‌های آبران، تأسیسات آبی.

مقدمه

یکی از تنگناهای اساسی که مناطق خشک و نیمه خشک با آن مواجه هستند، کافی نبودن آب برای آبیاری محصولات کشاورزی است. ایران یک کشور خشک است که آب عامل محدود کننده توسعه کشاورزی در اغلب نقاط آن است. مهمترین مسئله در مدیریت منابع آب عبارتست از برقراری تعادل بین عرضه و تقاضا آب است. از آنجائی که مقدار عرضه آب همیشه محدود بوده و مقدار تقاضا نیز با افزایش جمعیت و بهبود سطح زندگی دائماً بالا می‌رود. برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از منابع آب دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. امروزه این واقعیت که مدیریت بهتر آب مستلزم مشارکت استفاده‌کنندگان از آب است، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولین آب قرار گرفته است. بر اساس تغییر رویکرد جهانی در این ارتباط بانک جهانی در بازنگری پروژه‌های در دست انجام خود، مشارکت مصرف‌کنندگان با توسعه و تقویت تشکلهای آبران را قویاً مدنظر قرار داده است. به علاوه در بسیاری از پروژه‌های آبیاری خواستار انتقال مدیریت آب به مصرف‌کنندگان در قالب تشکلهای بهره‌برداران شده است. در بسیاری از موارد این تشکلهای از دید دولت‌ها به عنوان روشی برای کاهش مشکلات و هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری در شبکه‌ها هستند. در صورتی که تشکلهای آبران در بسیاری از کشورهای جهان به‌عنوان راهبرد مدیریت بهتر آب محسوب شده و در حال شکل‌گیری است. بانک جهانی نیز که یکی از منابع اصلی تامین وام برای پروژه‌های آبیاری محسوب می‌شود برنامه ایجاد تشکلهای آبران را برای پرکردن خلاء مدیریتی و افزایش کارائی آب، در نهایت بهبود بهره‌وری تولید در پروژه‌های در دست اقدام خود در دستور کار خود قرار داده (۱۳۸۵، ایرانی).

(موخرجی و همکاران، ۲۰۱۰) با بررسی ۱۰۸ مطالعه موردی در ۲۰ کشور آسیایی از جمله ایران، به ارزیابی واگذاری مدیریت آبیاری و مدیریت مشارکتی آبیاری پرداختند. شاخص‌های مورد استفاده نرخ گردآوری آب‌بهاء، پایایی مالی تشکل آبران، کفایت و قابل اعتماد بودن آب تحویلی به کشاورزان، آگاهی جمعی و مشارکت کشاورزان در مدیریت آبیاری، کاهش نزاع در آبیاری و وضعیت تعمیر و نگهداری بودند. بر این اساس، در ۶۰ درصد موردها، اصلاحات مدیریتی ناموفق بوده است. در این پژوهش از ایران سه مطالعه موردی در شبکه‌های آبیاری روانسر کرمانشاه، شبکه قزوین و شبکه آبشار اصفهان مدنظر قرار گرفت که هر سه ناموفق ارزیابی شدند. (آرارال، ۲۰۱۱) طی پژوهشی در بزرگترین شبکه آبیاری فیلیپین در حوزه رودخانه ماگات نشان داد که با واگذاری مدیریت آبیاری، احتمال مشارکت مردم در امور جمعی شبکه آبیاری در حدود ۴ برابر بیشتر شده و نزدیک به نیمی از کشاورزان در امور مربوط به آبیاری مشارکت کرده و وضعیت تعمیر و نگهداری، نزاع‌های کشاورزان در آبیاری، عدم پرداخت آب‌بهاء و قانون‌مندی کشاورزان سامان و بهبود معنی‌داری یافته است. (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۰) در مطالعه‌ای در چین و در حوزه آبخور رود زرد، عملکرد سه تشکل آبران، پیمانکاری آبیاری و تشکل سنتی آبیاری را با استفاده از پنج شاخص؛ نگهداری کانال، بهره‌برداری از دریاچه‌ها، هماهنگی تحویل آب، گردآوری آب‌بهاء، و حل منازعات مقایسه نموده و عملکرد اصلاحات نهادی و پایداری مالی و فیزیکی سیستم‌های آبیاری را مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج نشان دادند که تشکلهای آبران از لحاظ هزینه‌های نگهداری، تحویل به موقع آب و نرخ جمع‌آوری آب‌بهاء، نسبت به تشکل سنتی آبیاری و شیوه پیمانکاری آبیاری بهتر و پایدارتر بوده‌اند. (بات، ۲۰۱۳) از شاخص‌های کارایی عملیاتی و انگیزش در کشاورزان جهت پرداخت هزینه‌های خدمات آبیاری متوسل به فشار اجتماعی شدند، ولی در دستیابی به خوداتکایی مالی ناکام مانده و مقدار بدهی کشاورزان بابت آب‌بهاء شایان توجه بوده است. (سوهاردیمن و جیورداندو، ۲۰۱۴) در پژوهش‌های خود در خصوص شیوه انجام واگذاری مدیریت آبیاری در اندونزی نشان دادند که مقام‌های دولتی حاکم بر مدیریت آب، تکنوکرات‌های محافظه‌کاری هستند که با تغییر اصلاحات مدیریت آبیاری به آن ابعاد و جهت‌گیری فیزیکی و زیرساختی داده و حاضر نیستند واقعیت‌هایی غیر از ابعاد فنی را ببینند. آن‌ها نتیجه‌گیری کردند که مدیریت دولتی آبیاری از واگذاری مدیریت آبیاری به عنوان وسیله‌ای برای تجهیز منابع و حفظ موجودیت خود استفاده کرده، افزایش نقش کشاورزان در مدیریت آبیاری و دسترسی به منابع مالی مربوط به بهره‌برداری و نگهداری را برنمی‌تابد. بنابراین در مقاله حاضر لیست و جزئیات چالش‌های عمده مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی عنوان شده‌اند و سعی بر این بوده است که این چالش‌ها در قالب چالش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تشریح شوند.

مواد و روش‌ها

مشکلات موجود:

در حال حاضر متأسفانه به علت ساختار نامناسب بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات آبی و عدم استفاده بهینه از منابع آب، عدم مشارکت بهره‌برداران در مدیریت استفاده از پروژه‌های بزرگ شبکه‌های آبیاری و زهکشی و همچنین واگذاری بعضی از شبکه‌های آبیاری و زهکشی به بهره‌برداران بدون برنامه جامع و حتی مشخص نکردن حق و حقوق آن‌ها، وجود خلاءهای قانونی و ... باعث کاهش راندمان آبیاری و تولید، فرسوده شدن زود هنگام تأسیسات آبی، کم شدن عمر مفید آن‌ها بر اثر سوء مدیریت، سردرگمی بهره‌برداران و در نتیجه تلفات زیاد آب در این بخش شده است.

بر اساس تحقیقات و پژوهش‌های انجام یافته بدلیل عدم اجرای مواد قانونی موجود و وجود خلاءهای قانونی دیگر که می‌توان بعنوان نمونه به مواردی همچون نحوه ایفای نقش تشکلهای آب‌بران با هدف کاهش تصدی‌گری دولت، نحوه پایبندی تشکلهای آب‌بران، مکانیزم تعیین هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری از محل آب بهاء و ... این امر مسکوت مانده است. از طرفی انتقال مدیریت در کشور از دولتی به بخش خصوصی (بهره‌برداران) نه بر اساس یک سیاست و برنامه روشن بلکه بر اساس حل مشکل مقطعی و با پیروی از الگوهای خارجی و ارضاء شرایط جذب تسهیلات بانک جهانی صورت گرفته است. اگرچه در این روش موفقیت‌های مقطعی و محدود دیده می‌شود، ولیکن به دلایل ذکر شده کاستی‌ها و خلاءهای قانونی موجود و عدم شفافیت حق و حقوق تشکلهای و خطای تشخیص زمین‌ها، مانع شکل‌گیری اولیه و مناسب در انتقال مدیریت در کشور بوده است. در این زمینه می‌توان به عدم موفقیت واگذاری مدیریت در شبکه‌های تجم و بهبهان و تجربه داخلی در شبکه قزوین را اشاره کرد (مرادی نژاد، ۱۳۸۴). علاوه بر آن تشکلهای شکل گرفته نیز بدلیل برخوردار نبودن از جایگاه قانونی و حقوقی و عدم وجود راهکار قانونی برای توانمندسازی مالی و علمی بهره‌برداران و یا نبود ظرفیت‌های لازم در جوامع محلی برای ارتقای نقش آنها در موضع تصمیم‌گیری باعث عدم کارایی آنها در انجام وظایف شده است.

سال‌ها قبل از ارائه تعریف جامع بانک جهانی از سازمان‌های غیردولتی (N.G.O) مبنی بر "مؤسسات خصوصی پشتیبان توسعه ملی و بین‌المللی"، بسیاری از کشورهای صنعتی بهره‌گیری از فرصت‌های موجود و رفع موانع توسعه و عمران کشورشان را با گسترش سازمان‌ها و نهادهای مردمی بنیان نهاده و به نتایج مطلوبی نیز رسیده‌اند، به طوری که گفته می‌شود یکی از عوامل اصلی توسعه کشورهای پیشرفته، تعدد و تکثر سازمان‌های غیردولتی بوده است. به عنوان مثال در کشور فرانسه با جمعیت ۶۰ میلیونی فعالیت می‌کنند. این رقم در مقایسه با حدود ۱۰ هزار سازمان غیردولتی ثبت (N.G.O) حدود یک میلیون شده در ایران ۸۰ میلیون نفری، گویای اهمیت بسیار موضوع تشکلهای است، امروزه به لحاظ رشد روزافزون جمعیت و نیاز غذایی، بهره‌گیری مطلوب و مدرن از منابع آب و خاک مورد توجه فراوان قرار گرفته است. تجربه نشان داده است که مناسب‌ترین روش برای دستیابی به هدف خطیر فوق، شیوه مدیریت مشارکتی بوده چرا که اصولاً پایدارتر است. هر چند پس از انحلال شرکت‌های سهامی زراعی در دهه ۵۰، برنامه مشارکت کشاورزان ایران با تشکیل شرکت‌های بهره‌برداری در سال ۷۰ شکل گرفته، برای مدیریت مشارکتی شبکه‌ها بخشنامه‌ها و قطعنامه‌هایی نیز صادر شده است، ولی اقدام عملی و اجرایی درخصوص دخالت دادن زارعین در امر بهبود مدیریت شبکه ای آبیاری، تاکنون از پیشرفت قابل توجهی برخوردار نبوده است.

بحث و نتایج

دستورالعمل بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی

از چالش‌هایی که در شبکه‌های آبیاری و زهکشی وجود دارد و اغلب شبکه‌ها با آن درگیر هستند موضوع عدم وجود دستورالعمل بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات آبی یا عدم بروز بودن آن دستورالعمل‌ها است. بررسی نتایج عملکرد بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی بیانگر این واقعیت است که متأسفانه عملکرد اغلب شبکه‌های کشور پایین‌تر از حد انتظار است. یکی از دلایل این امر فقدان ضوابط و معیارهای فنی و مشخص برای انجام خدمات بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌ها بوده است که عدم وجود آن‌ها سبب اعمال نظرهای سلیقه‌ای عوامل بهره‌برداری و نگهداری بدون توجه به فرضیات و مبانی طرح شده بود و باعث عدم دستیابی

به اهداف ایجاد شبکه های آبیاری و کاهش عمر مفید تأسیسات آبی این شبکه ها شده است. در حال حاضر پس از تجربه سال ها بهره برداری از تأسیسات آبیاری و زهکشی و نظر به محدودیت منابع آبی کشور تردیدی نیست که باید دستورالعمل های بهره برداری و نگهداری هم زمان با مطالعات طرح تدوین گشته و در آن روش انجام کارها، چارت تشکیلات مناسب، تجهیزات و ماشین آلات مورد نیاز و سایر موارد مشخص شده باشند.

چالش های مربوط به قوانین آب ملاک عمل در هر کشوری مهمترین ابزاری است که به واسطه آن امکان عملیاتی شدن سیاست های مختلف در زمینه مدیریت منابع آب میسر می شود. حال اگر خلا و ابهامی در این قوانین موجود باشد. بر نتیجه کلیه فعالیت های علمی، پژوهشی و اجرایی مدیریت منابع آب تأثیر مستقیم خواهد داشت. در مورد خلاء و ابهامات موجود در قوانین مربوط به بهره برداری از شبکه های آبیاری و زهکشی تجربیات چند سال اخیر بهره برداری و نگهداری برخی از خلاهای موجود در قوانین بهره برداری از شبکه آبیاری را مشخص نموده است. به عنوان مثال قوانین مربوط به تحویل حجمی آب که به وسیله آیین نامه مصرف بهینه آب کشاورزی مطرح شده اند با برخی از قوانین مرتبط دیگر نظیر تثبیت آب های زراعی همخوانی ندارند.

ضرورت های قانونی اعمال مدیریت بهره برداری و نگهداری در قالب تشکل های آب بران:

بر اساس تغییر رویکرد جهانی و متعاقب آن در داخل کشور به منظور استفاده بهینه از آب کشاورزی در راستای ارتقاء بهره وری و صرفه جویی از آن، وزارت جهاد کشاورزی برابر بعضی از مواد قانونی، مصوبه های هیئت محترم دولت بشرح ذیل مکلف اصلاح ساختار مدیریت مصرف آب کشاورزی در قالب تشکل های بهره برداران آب و خاک است.

- بند ۱۸ نامه مقام معظم رهبری به رئیس جمهوری،
- تبصره یک ماده ۲۱ قانون توزیع عادلانه آب،
- بند ط تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم توسعه و ماده ۵ آیین نامه اجرایی آب،
- ماده ۱۰۷ قانون برنامه سوم توسعه،
- بند ه ماده ۱۰۹ قانون برنامه سوم توسعه،
- ماده ۱۳ تشکیل وزارت جهاد کشاورزی،
- بند ۲۲ شرح وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی،
- ماده ۱۰ راهبردهای توسعه بلندمدت منابع آب کشور،
- ماده ۱۷ قانون برنامه چهارم و بند الف و ب آن.

خلاء های قانونی اعمال مدیریت بهره برداری و نگهداری شبکه های آبیاری و زهکشی به وسیله تشکل های آب بران:

برای واگذاری مدیریت بهره برداری و نگهداری شبکه های آبیاری و زهکشی به تشکل های بهره برداران و استفاده بهینه از تأسیسات آبی و منابع آب یکسری خلاء های قانونی برای مدیریت صحیح بشرح ذیل وجود دارد:

- ۱- چگونگی نحوه انتقال تأسیسات آبیاری به تشکل های آب بران،
- ۲- عدم شفافیت قانون در انجام مدیریت خدمات بهره برداری و نگهداری تأسیسات آبیاری به وسیله تشکل های بهره برداران واقعی آب،
- ۳- چگونگی نحوه وصول و هزینه کرد آب بها در رابطه با خدمات بهره برداری و نگهداری از تأسیسات آبیاری و برنامه گردش مالی تشکل ها،
- ۴- عدم اعتبارات لازم برای انجام مطالعات اجتماعی، ترویجی و اجرایی به منظور ایجاد تشکل های آب بران،
- ۵- عدم جایگاه مشخص پاسخگو به منظور جلوگیری از موازی کاری دستگاه های دولتی،
- ۶- عدم به رسمیت شناختن تشکل های آب بران موجود به وسیله دستگاه های دولتی و غیر دولتی و مراجع قانونی،
- ۷- نبود راه کارهای حمایتی و هدایتی قانونمند برای شکل گیری و تقویت تشکل های آب بران.

با توجه به این که در ایران متولیان بهره برداری و توسعه منابع آب و خاک وزارتین نیرو و جهاد کشاورزی بوده، مدیریت واحدی بر منابع آب و خاک اعمال نمی شود. ناهماهنگی های متعددی در خصوص اجرا و بهره برداری از شبکه های آبیاری و زهکشی بوجود آمده است. موضوع های مهمی نظیر ایجاد و توانمندسازی تشکل های مردمی، برآورد نیاز آبی محصولات کشاورزی، افزایش بهره وری از آب کشاورزی و ... که در بهره برداری منابع آب و خاک حایز اهمیت هستند مدیریت واحد و یکپارچه ای را می طلبد. رویکرد دولت در توسعه شبکه های آبیاری و زهکشی کشور از یک منظر منطقی است چرا که با ذخیره سازی آب در پشت سدها و استفاده از آن در اغلب ماه های سال امکان کشت محصولات مختلف زراعی را فراهم می نماید. اما از منظر دیگر اگر بدون توجه به استفاده بهینه از آب به فکر توسعه اراضی تحت آبخور بوده و راندمان آبیاری و راندمان عملکرد محصول در وضعیت کنونی حفظ شود، بیش از پیش مشکلات ناشی از محدودیت منابع آب با توجه به افزایش جمعیت نمود پیدا خواهد کرد و این در حالی است که در کشورهای پیشرفته به بهره وری آب توجه شده و استفاده بهینه از آب را در کنار افزایش عملکرد محصول دنبال می نماید. برای رفع چالش های اشاره شده، تصویب قوانین روشن و جامع می تواند راه گشای اقدامات مورد نظر بوده و زمینه را برای استقرار نظام مدیریتی کارآمد و پویا در شبکه های آبیاری فراهم نماید. به عنوان مثال در قوانین موجود به مدیریت شبکه های آبیاری با رویکرد آبیاری تحت فشار یا به جایگاه قانونی تشکل های آب بران اشاره ای نشده است و باید قبول کرد که بدون قوانین لازم این امکان وجود نخواهد داشت تا به سیاست های مدیریت منابع آب در کشور جامه عمل پوشانیده شود. لازم به ذکر است اگر مروری بر عوامل تأثیر گذار در مدیریت شبکه ها انجام شود نهادهای متعددی مشخص خواهند شد که نقش هر کدام از آنها غیر قابل اغماض است. نهادهای تصمیم گیری و مجری از جمله مقامات قضایی، استانداری ها، وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت تعاون و از همه مهم تر کشاورزان که در داخل چرخه استحصال و انتقال و مصرف آب قرار دارند. هر کدام به نوبه خود در مدیریت شبکه ها تأثیر گذار بوده و هر راه کار با روشی برای رفع چالش های مدیریت بهره برداری و نگهداری شبکه ها مطرح می گردد. باید با توجه به نقش کلیه نهادهای تصمیم گیر و مجری طراحی و اجرا شود.

پیشنهادهای

در خاتمه نگارندگان این مقاله برای ساماندهی نظام بهره برداری آب کشاورزی و ایجاد تشکل آب بران به منظور اعمال صحیح مدیریت مصرف آب کشاورزی، در راستای ارتقای بهره وری آن پیشنهاد های ذیل را ارائه می نمایند:

- ۱- عملیاتی و اجرایی کردن مواد قانونی ذکر شده،
- ۲- تعیین ردیف اعتباری اجرایی نمودن مواد قانونی فوق الذکر،
- ۳- همزمان با تأمین اعتبار مطالعات پروژه های تأمین، انتقال، تقسیم و توزیع آب تأکید بر انجام مطالعات اجتماعی به منظور تعیین اهداف ذیل صورت پذیرد:

- آگاهی از استقبال و یا عدم استقبال کشاورزان در رابطه با اجرای طرح مذکور،
- مشارکت کشاورزان در نحوه طراحی و اجرای پروژه،
- مقدمات ایجاد انجمن های آب بران به منظور انتقال مدیریت بهره برداری و نگهداری از پروژه،
- تهیه دستورالعمل های فنی بهره برداری و نگهداری از پروژه،
- تعیین چگونگی وصول درآمدها و نحوه هزینه کردن آنها در راستای بهره برداری و نگهداری از منابع و تأسیسات پروژه،
- تعیین نظام حقوقی برای چگونگی تعامل ذینفعان با دست اندرکاران آب کشور،
- تعیین نظام تحویل حجمی آب در زمان و مکان مورد تقاضا و تغییر نحوه وصول آب بهاء،
- تهیه برنامه آموزش و ترویج بهره برداران، کارشناسان و کاردان ها به منظور دستیابی به روش ها و فن آوری های نوین جهانی در خصوص نظام بهره برداری آب کشاورزی.

نهایتاً به منظور کاهش تصدی گری دولت و سپردن کار مردم به مردم ضرورت ایجاد می نماید که با اتخاذ تمهیداتی حمایتی و هدایتی مدیریت بهره برداری ۹۲ درصد آب مصرفی اختصاص یافته به بخش کشاورزی و نگهداری از تأسیسات آبی به تشکل های آب بران انتقال یابد.

نتایج مورد انتظار:

در صورت اجرای پیشنهادها و استقرار نظام بهره‌برداری آب کشاورزی و اعمال مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات آبی به‌وسیله تشکل آب‌بران نتایج ذیل مورد انتظار است:

- ساماندهی نظام بهره‌برداری آب ۸/۴ میلیون هکتار اراضی آبی،
- مدیریت بهره‌برداری و نگهداری ۲/۲ میلیون هکتار شبکه‌های آبیاری در جه ۲ و ۱،
- اعمال مدیریت بهره‌برداری و نگهداری حدود ۷۰۰ هزار هکتار شبکه ۳ و ۴ به‌وسیله بهره‌برداران در قالب تشکل‌های مربوطه،
- کمک به افزایش راندمان آبیاری و کارایی آب در تولید محصولات کشاورزی در حد برنامه‌های توسعه،
- حفظ عمر مفید تأسیسات آبی،
- ایجاد فرهنگ مشارکت بهره‌برداران در امر توسعه امور زیر بنائی و مدیریت بهره‌برداری و نگهداری تأسیسات آبی، ۸/۴ میلیون هکتار اراضی آبی،
- ایجاد فرهنگ استفاده از مشارکت بهره‌برداران به‌وسیله دستگاه‌های دولتی در کاهش تصدی‌گری دولت در امر مطالعه و اجرای پروژه‌های آب و خاک،
- ایجاد اشتغال حدود ۴۲۰۰ شغل مستقیم در ۸/۴ میلیون هکتار از اراضی آبی کشور و حدود ۱۰۰ هزار شغل غیر مستقیم در رابطه با این امر،
- تحویل حجمی ۸۶ میلیارد متر مکعب آب مصرفی در بخش کشاورزی در زمان و مکان مورد نیاز و تعیین نرخ آن بر اساس حجم آب مصرفی،
- ایجاد صنایع وابسته به منظور فرآوری محصولات کشاورزی برای افزایش صادرات آن،
- اعمال مزیت نسبی در کشت محصولات کشاورزی با توجه به نیازهای داخلی و خارجی.

منابع:

- ایرانی، ک، مرادی نژاد، ا (۱۳۸۵)، گزارشات گروه نظام بهره‌برداری آب کشاورزی
- مرادی نژاد، ا، (۱۳۸۴)، بررسی مسائل و مشکلات انتقال مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی، مقاله چاپ شده در مجله.
- Aral, E.K. (2011). The impact of decentralization on large scale irrigation: Evidence from the Philippines. *Water Alternatives*, 4(2): 110-123.
- Bhatt, S. (2013). How does participatory irrigation management work? A study of selected water users' associations in Anand district of Gujarat, western India. *Water Policy*. 15(1):223-242.
- Development Bank.
- Huang, Q., Wang, J. Easter, K.W. & Rozelle, S. (2010). Empirical assessment of water management institutions in Northern China. *Agricultural Water Management*. 98(1):361-369.
- Mukherji, A., B. Fuleki, T. Shah, D. Suhardiman, M. Giordano & P. Weligamage. (2010) Irrigation Reform in Asia: A review of 108 cases of irrigation management transfer: Background Paper No 3, Submitted to Asia
- Suhardiman, D. & Giordano, M. (2014). Is there an alternative for irrigationreform?. *World development*, 57(1):91-100.